



کارگران جهان متحد شوید!

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ // شماره ۱۴۴



ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

گماشتن ۷۰۰۰ هزار «گشت نامحسوس» در تهران،
نشانه ترس است یا قدرت!

صفحه ۳

ستون طنز



صفحه ۱۴

با شعار محوری و سراسری
کار- مسکن- آزادی
به استقبال اول ماه
مه ۱۳۹۵، روز
تجلی همبستگی کارگران
ایران و سراسر جهان برویم
ادامه صفحه ۵

گسترش اعتصابات کارگری و موج اعتصاب در زندانها
بازتابی از ناتوانی رژیم در مهار بحران

صفحه ۶

بیانیه زندانیان سیاسی و عادی
بمناسبت اول ماه مه ادامه در صفحه ۸

رفقای کارگر!

ادامه در صفحه ۱۱

برای اتحاد و همبستگی صفوف طبقه کارگران تلاش کنیم!
اطلاعیه شورای نمایندگان احزاب، سازمان ها و
نهادهای چپ و کمونیست
ادامه در صفحه ۱۰

عزم شان جزم و رزم شان پایدار باد!

طبقه کارگرایران در وضعیت بس حساسی بسر میبرد. علی رغم تشدید سرکوبگریها و بگیر و ببند های هر روزه و برغم جو ترور و خفقان حاکم، اما بیش از سایر اقشار توده های زحمتکش مردم به مبارزه و مقاومت در برابر تعرضات اقتصادی و سیاسی رژیم، از خود پایداری نشان داده و به مبارزه در اشکال مختلف ادامه میدهند.

کارگران بواسطه نقش و جایگاه شان در تولید اجتماعی، در زندگی و مبارزات روزمره شان پیش از سایر اقشار اجتماعی درمی یابند که وعده و وعید های حاکمیت و طبقه سرمایه دار درباره تحقق مطالبات شان و بهبود شرایط زندگی شان و «برقراری عدالت» و غیره جز دروغ و فریب افکار عمومی کارگران و زحمتکشان چیز دیگری نبوده و نیست. امروز بخش مهمی از کارگران ایران در نتیجه مبارزه و تلاش و درس ها و تجربه های اندوخته شده، اینک بیش از پیش میرود تا گستره فریبکاریها و سرکوبگریها ی رژیم و مشاطه گران اپورتونیست و رفرمیست آنها را محدود کند.

ادامه در صفحه بعد



سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

عزم شان جزم و رزم شان پایدار باد!

دستگاه جو رو ستم و حاکمیت مافیای قدرت و ثروت که تا دیروز به بهانه بحران هسته ای و مقابله با استکبار، بی رحمانه ترین اشکال سرکوب، زندان و شکنجه را به کار می‌گرفت و فعالین کارگری، روشنفکران، هنرمندان، زنان و دانشجویان را به اتهامات واهی «ارتباط» یا دشمن «همکاری با جاسوسان» و تهدید کنندگان امنیت ملی و غیره دستگیر و به سیاهچالها می‌فرستاد تا دست و بال طبقه حاکم، آفازده ها و رانت خواران رنگارنگ برای اندوختن میلیاردها ثروت باز باشد. اکنون با نوشیدن جام زهر و عقب نشینی از ادعاهای واهی خود، با تمام توان کوشش میکنند این بار به بهانه اجرای «برجام» (و عملی نمودن «اقتصاد مقاومتی» و بازسازی اقتصاد ورشکسته به تشدید ستم و استثمار و زور سرکوب ادامه دهند و سیاست باصطلاح بازسازی اقتصادی را به حساب فقر و فلاکت بیشتر کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت مردم عملی سازند. رژیم اسلامی و طبقه استثمارگر حاکم در حالی از کارگران و سایر زحمتکشان و محرومین جامعه می‌خواهند سرمایه دار و کارگر برادرانه! «اقتصاد مقاومتی» فرموده رهبر را پیاده کرده و چرخ تولید را راه بیاندازند و اقتصادی در هم شکسته را نجات دهند که طی دوران تحریمها میلیارد ها دلار از طریق تشدید استثمار، نپرداختن حقوق و دستمزدهای بشدت پائین تراز خط فقر، از طریق رانت خواری، دزدی و چپاول به جیب مبارک شان سرازیر کرده اند. امروز در دوره «دولت تدبیر و امید» نیز همین سیاست تحت عناوین مختلف به پیش برده می‌شود. امروز گسترش اعتصابات و اعتراضات

کارگران به اشکال مختلف و مقاومت آنها در برابر تعرضات نظام سرمایه داری حاکم مبین این واقعیت انکارناپذیر است که فشار طاقت فرسای زندگی بردوش طبقه کارگر و میلیونها نفر از خانواده و جوانان آنها به حدی رسیده است که کارگران برغم خطر بیکاری، گرسنگی، دستگیری و شکنجه و مرگ، راهی جز تشدید مبارزه و ایستادگی در مقابل یورش سرمایه داران و رژیم سیاسی آنها ندارند.

این یک واقعیت انکارناپذیر است که طبقه کارگر ایران که برای آزادی خود و جامعه از وضعیت فلاکت بار کنون مبارزه میکند. در راه انجام وظایف تاریخی خود با دشواریها و موانع متعددی روبرو است. نظام بهره کشی که به در لباس مذهب و خرافات هزاران وسیله فریب و سرکوب را به کار گرفته تا از ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی و رزمندگی طبقه کارگر جلوگیری بکند. از طریق تشکلهای دست ساز رژیم نظیر شوراهای، انجمنها و گروه های سرکوبگر و خانه های جاسوسی بنام بخش حراست، از یکسو و استفاده از تعصبات مذهبی، ملی و خرافات دیگری که مرتب در حال اشاعه آن هستند، از سوی دیگر تلاش میکند از بیداری، آگاهی کارگران نسبت به منافع طبقاتی خود جلوگیری کند. اخراج و دستگیری کارگران پیشرو و زندان و کشار آنها هم از این سیاست سرکوبگرانه تبعیت میکند.

بدون تردید مبارزه جاری طبقاتی میان کارگران و سرمایه داران و دستگاه سرکوب آنها آموزشهای گرانبهای برای طبقه کارگر و مدافعین آن داشته است. این مبارزات برغم افت و خیزها و شکست و پیروزیها و

ضعف ناتوانیها به کارگران میاموزد که هیچ نیروئی به جز نیروی متشکل خود آنها نمیتواند نجات بخش جامعه از مصائب و مشکلات موجود باشد. و هیچ نیروئی نمیتواند بار فقر و فلاکت دامنگیر طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را از دوش آنان بردارد. و هیچ آشتی میان طبقه کارگر و نظام مبتنی بر بهره کشی سرمایه نمیتواند برقرار گردد. در مبارزات اقتصادی و صنفی روزمره نیز تنها آنجا که زور کارگران بچربد و اتحاد و مقاومتی پایدار از خود نشان دهند است که در تحقق خواست هایشان ممکن می‌شود. نه در امید بستن به وعده و وعید های دولت و کارفرمایان.

بعد از روی کار آمدن دولت باصطلاح «تدبیر و امید» (که با وعده های رفع بیکاری و بهبود سطح معیشت کارگران و غیره توأم بود، اما برغم آن همه وعده و وعید ها، تشدید استثمار و ستم و سرکوب افزایش یافته و به تعداد میلیونی کارگران بیکار افزوده شده است. دستمزد کارگران در برابر افزایش قیمت ها همچنان پائین نگهداشته شده است و امسال با تعیین ۸۱۲ هزار تومان حد اقل دستمزد، یعنی یک چهارم خط فقری که خود تعیین کرده اند، عملاً طبقه کارگر را به ماندن در فقر و فاقه وادار نموده اند. دستگاه های سرکوب به همراه تشکلهای وابسته به حاکمیت در مراکز کارگری مبارزات کارگران را سرکوب و هزاران مانع در برابر تشکلهای مستقل آنها ایجاد میکنند و بدیهی ترین آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی و حق تذبذب و تشکل از آنها سلب می‌گردد. و در این میان بیشترین آسیب از اعمال مداوم سرکوب نصیب کارگران میشود. چرا که طبقه کارگر همچون هوا برای تنفس، به آزادیهای سیاسی نیازمند است تا در پرتو آن ادامه در صفحه ۱۲

کماشتن ۷۰۰۰ هزار «گشت نامحسوس» در تهران، نشانه ترس است یا قدرت!

اعلام اعزام ۷۰۰۰ هزار نیروی «گشت نامحسوس» به سطح خیابانها و مراکز کار و زندگی مردم نشان میدهد که برگزاری مانورهای نیروهای سرکوبگر رژیم در شهرهای کشور، بویژه در تهران بزرگ که تحت عنوان «رزمایش مقابله با شورش های کارگری» نامگذاری شده به یک امر عادی و روزمره تبدیل شده است، به اندازه کافی نتوانسته است جو رعب وحشت مورد نظر رژیم را بر جو جامعه و مبارزات جاری طبقه کارگر و دیگر ستمدیدگان حاکم سازد. تربیت و اعزام هزاران جاسوس و سرکوبگر به سطح جامعه و برگزاری رزمایش هائی ضد کارگری آشکارا و بدون پرده پوشی اعلان جنگ طبقه سرمایه دار و دستگاه دولتی سرکوبگر آن علیه طبقه کارگر و محرومان جامعه است که برغم تشدید سرکوب و دستگیری و زندانی کردن فعالین و رهبران آنها بدون وقفه به مقاومت و مبارزه ادامه میدهند. گویا این دشمنان قسم خورده کارگران برغم تشدید سرکوب و دستگیری ها و برگزاری نمایش های چندش آور خیابانی، نتوانسته اند آنگونه که میخواستند جو رعب و وحشت رادرمیان کارگران، معلمان، زنان و دیگر ستمدیدگان و استعمارشوندگان اعمال نمایند. اکنون میخواهند با اضافه کردن هفت هزار جاسوس و نیروی سرکوب مخفی و پراکندن آنها در گوشه و کنار شهر به خیال خود مانع گسترش اعتصابات و اعتراضاتی شوند که به ناگزیر و سرانجام به شورشهای اجتماعی و قیام علیه دستگاه ستم و سرکوب منجر خواهند شد. در پی نگرانی و هراس رژیم از چنین آینده ای است که فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ بابیشرمی

اعلام میکند: در تهران، هفت هزار "مامور مخفی" به کار "گشت نامحسوس" مشغول خواهند شد. این اقدام رژیم که بوسیله فرمانده نیروی انتظامی اعلام رسمی شد بلافاصله با عکس العمل اعتراضی فعالین عرصه سیاسی و اجتماعی در رسانه های گروهی و شبکه های اجتماعی مواجه شد. فرمانده مزبور در پاسخ به این اعتراضات طبق معمول بالاین توجیه که این نیروها قرار است با "بدحجابی، کشف حجاب داخل خودرو، مزاحمت برای نوامیس و سگ گردانی و زورگیری و..... برخورد کنند." به توجیه این اقدام سرکوبگرانه دست زد. این طرحها را فرمانده نیروی انتظامی در حالی بر زبان میراند که جمهوری اسلامی با وجود اینکه طی نزدیک به چهاردهه با توسل به بکارگیری اشکال مختلف سرکوب نتوانست حجاب کامل اسلامی را بر زنان تحمیل نماید. اکنون نیز مثل همیشه میخواهد سیاست کلی تشدید سرکوب جنبش های اجتماعی بویژه جنبش کارگری را تحت عنوان «مبارزه با کشف حجاب داخل اتومبیل و مزاحمت برای نوامیس و «غیره توجیه و سرهم بندی کند. اما بقول معروف آتش آنقدر شورا است که صدای دوربری های آشپزراهم در آورده است.

به نوشته خبرگزاری ایلنا محمد اسماعیل سعیدی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس میگوید: نیروی انتظامی و مسولان ناجا باید برای افکار عمومی توضیح بدهند و این مساله را برای مردم روشن کنند تا مردم بدانند منظور از نامحسوس چه چیزی است و گزارش دهی و عملکرد این نیروها به چه نحو خواهد بود. وی در خصوص نحوه

عملکرد نیروهای نامحسوس و گزارش دهی این نیروها گفت: معنی نامحسوس بودن این نیروها برای خود من محسوس نیست و هر چقدر در ذهن بررسی می کنم که یعنی چی؟ به نتیجه ای نمی رسم». روزنامه ای «همشهری» روز سه شنبه (۳۱ فروردین ماه) در مطلبی با عنوان «چند پرسش از پلیس» نوشت: «چه تدبیری برای راستی آزمایی گزارش های این افراد اندیشیده شده است؟ آیا این احتمال وجود ندارد که این افراد گزارش های غیر واقعی رد کنند؟! این روزنامه همچنین از مقامات پلیس خواستار شد تا توضیح دهند شیوه شناسایی، جذب و آموزش این افراد چگونه و براساس چه معیارهایی خواهد بود.

از طرفی خبرگزاری «تسنیم» وابسته به سپاه که توسط ذوب شدگان در ولایت فقیه اداره میشود در توجیه اجرای طرح گشت نامحسوس توسط نیروی انتظامی با استناد به سخنان ضد مردمی خامنه ای مینویسد: امام خامنه ای با اشاره به لزوم ریشه یابی ناامنی های اخلاقی، می فرماید: اما آنجا که (بی اخلاقی ها) جلوی چشم قرار می گیرد و موجب عدم امنیت اخلاقی جامعه می شود، آن که باید وارد میدان بشود، نیروی انتظامی است.

این خبرگزاری وابسته به دستگاه سرکوب ادامه میدهد: گاهی به اینجا تلفن می کنند یا نامه می نویسند و شکایت می کنند که در فلان محله، کسانی پیدا شده اند که به نوامیس مردم تعرض می کنند. ما در این امور به کجا مراجعه می توانیم کنیم؟ گاهی تلفن می کنند، شکایت می کنند که مثلاً فلان خانه را به محل فساد تبدیل کرده اند و نمی گذارند استراحت کنیم و بخوابیم؛ سر و صدا و هیاهو راه می اندازند و از لحاظ اخلاقی، ناامنی ایجاد می کنند. ما واقعاً در

گماشتن ... هزار «گشت

این‌گونه امور به کجا باید مراجعه کنیم؟ به نیروی انتظامی. البته ناامنی اخلاقی، یک مرحله کار فرهنگی دارد، یک مرحله کار مخفی دارد، یک مرحله ریشه‌یابی دارد؛ آن‌ها کار دستگاه‌های دیگر است، اما آنجایی که جلوی چشم قرار می‌گیرد و موجب عدم امنیت اخلاقی جامعه می‌شود، آن‌که باید وارد میدان بشود، نیروی انتظامی است.» چنین است توجیهات عوامل سرکوب و دشمنان قسم خورده توده‌های کارگر و زحمتکش که از مشاهده موج اعتصابات و اعتراضات رعشه مرگ بر جانانشان افتاده است.

واقعیت این است که بیش از سی و هشت سال است عمده ثروت اجتماعی و دسترنج توده‌های زحمتکش مردم برای سرپانگاهداشتن جمهوری جهل و جنایت اسلامی به کام دستگاه جهانی سرکوب ریخته می‌شود. اما اکنون اوضاع دیگری در پیش روی است. تعمیق بحران اقتصادی، اخراج‌های گسترده کارگران، عدم پرداخت بقوق و دستمزد ها، تورم افسارگسیخته، افزایش بیکاری، بی مسکنی، ابعاد گسترده فقر و نداری و تشدید ستم و استثمار و گسترش ناهنجاریهای اجتماعی با پیاده کردن سیاست‌های اقتصادی پسابرجام و عملیاتی کردن برنامه ششم باصطلاح «توسعه اقتصادی» توده‌های به جان آمده کار و زحمت را با فشارهای اقتصادی و معضلات بیشماری مواجه ساخته و برای کارگران و زحمتکشان راه چاره‌ای جز اعتراضات و اعتصابات گسترده و قیام علیه مافیای قدرت و ثروت و کل نظام ارتجاعی حاکم باقی نگذاشته است. پیشبینی چنین اوضاعی است که

رژیم جمهوری اسلامی را واداشته است تا کارجلادان خود را رونقی دیگر بخشد با این توهم که گویا با تشدید سرکوب می‌تواند توده‌های مردم را ساکت کند. رژیم اسلامی بدنبال سازش با غرب و گشودن در به روی سرمایه داران خارجی با وعده سودهای کلان نیازمند به سکوتی قبرستانی در کشور است، نیاز به کارگر ارزان و خاموش دارد، نیاز به انجماد دستمزدها و تشدید استثمار دارد که بدون شک به گسترش اعتراضات و اعتصابات خواهد انجامید. رژیم برای احتراز از وقوع اعتصابات و اعتراضات گسترده شمشیر را از رو بسته و به همین دلیل شمار اعدام در زندان‌ها را افزایش داده و سرکوب جنبش‌های اجتماعی را تشدید نموده است. از این رو ضمن اینکه می‌باید در برابر تشدید سرکوب و اعدامها متحداً در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه داد، اما این کافی نیست. نیروهای چپ انقلابی و جنبش‌های اجتماعی آزادیخواه و مترقی می‌باید در اتحاد باهم و با طرح خواست‌ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده‌های رنج‌دیده و استثمار شده، به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر

جنبش‌های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. امروزه خواست‌ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر و توده‌های رنج‌دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت در اعتراضات، اعتصابات، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و اعدام یک وظیفه عاجل محسوب می‌گردد. اجرای رزمایش‌ها و روانه کردن جاسوسان و خبرچینان به میان مردم علاوه بر تشدید سرکوب با هدف تفرقه و رواج بی اعتمادی میان توده مردم را دنبال می‌کند و سیاستی است که در خدمت ایجاد تفرقه و جو رعب و وحشت در جامعه است و بدینوسیله می‌خواهد قدرت سرکوبگری خود را به رخ توده‌های مردم بکشد. درحالی‌که اینگونه اقدامات خود نشان‌دهنده ضعف و فطور و نه اقتدار و ثبات رژیم است. نشانه ترس از گسترش اعتراضات مردمی است نه نشانه قدرت. تنها با گسترش مبارزه و بی‌اعتنائی به اقدامات تفرقه جویانه و وحشت افکنانه نظام حاکم است که می‌توان نقشه‌های شوم آنها را نقش بر آب کرد. خ-ن- عمواغلی ۳۰ فروردین ۱۳۹۵

دوستی و اتحاد ما کارگران ملل مختلف در نبرد مشترک ما بر علیه سرمایه داری حاصل می‌شود نه در نفی حقوق دموکراتیک یکدیگر. برای همین است که برنامه ما با در نظر گرفتن رشد تاریخی ملل ساکن ایران تشکیل فدراتیو شورائی را هم شکلی از استقلال و هم شکلی از گذار به وحدت آزاده و کامل پیشنهاد میکند. در جمهوری فدراتیو شورائی همه ملیتها حق دارند بدون قید و شرط تصمیم بگیرند که در صورت تمایل در نهادهای فدرال شورائی شرکت کنند و یا جدا شوند. فدراتیو شورائی شکلی از اتحاد است که خلقهای دارای حق تعیین سرنوشت بطور دواطلبانه به آن می پیوندند. فدراتیو شورائی درست نتیجه و برگردان درخواست‌ها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهاست و آن قوانین

با شعار محوری و سراسری **کار - مسکن -**

آزادی

به استقبال اول ماه مه ۱۳۹۵، روز

تجلی همبستگی کارگران ایران و

سراسر جهان برویم

اول ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان فرامیرسد. شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست یکصد و بیست و هفتمین سالگرد اول ماه مه، روز تجلی همبستگی و اتحاد کارگران سراسر جهان را به همه کارگران ایران و پرلتاریای جهان شادباش میگوید. از روزی که جهان زیرگامهای استوار کارگران اعتصابی شیکاگو به لرزه درآمد و طبقه کارگر بمتابه طبقه ای دوران سازتولد شکوهمند خود را در پیروزی جنبش هشت ساعت کار اعلام داشت، بیش از یک صد و بیست و هفت سال میگذرد. در توالی تاریخی این سالهای طولانی، مبارزه پرلتاریای جهان علیه نظام سرمایه داری و تبعات ویران کننده آن فراز و نشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته است. پیروزیها و شکست های متعددی را تجربه کرده است. طبقه کارگر در دوران تاریخی کنونی بمتابه تنها طبقه رهائی بخش بشریت از بندگی سرمایه، همچنان پنجه در پنجه سرمایه در افکنده و به اشکال مختلف با تعرضات نظام سرمایه داری به مقابله برخاسته و در راه تحولات اجتماعی و آزادی و سوسیالیسم گام برمیدارد. اعتصابات و اعتراضات میلیونی کارگران در کشورهای مختلف جهان از جمله در کشورهای معظم سرمایه داری در سال گذشته نشاندهنده این واقعیت است که مبارزه بین کار و سرمایه اجتناب ناپذیر بوده و برغم افت و خیزها و شکست

و پیروزیها، همچنان راه تحولات عمیق اجتماعی را در راه رسیدن به آزادی و سوسیالیسم میکوبد و هموار میکند.

کارگران ایران نیز بمتابه گردانی از پرلتاریای جهان، رزم آوران انبوه این تحول اند. طبقه کارگر ایران به همراه همزمان خود در سراسر جهان در شرایطی به مبارزه و مقاومت خود در برابر تعرضات نظام سرمایه داری ادامه میدهند که مافیای نظامی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران، بر نیروی عظیم کار و شاهرگهای اقتصادی کشور چنگ انداخته است، طبقه سرمایه دار ایران و دستگاه دولتی مذهبی و ارتجاعی آن باتوسل به سرکوب و زندان و کشتار، و با محروم کردن توده های طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه از هرگونه تشکل و حزب و آزادیهای سیاسی، به تشدید استثمار و غارت و چپاول خود ادامه میدهد. دولت روحانی که با وعده نجات اقتصاد ایران از خطر فروپاشی و بهبود وضعیت کار و معیشت توده زحمتکش مردم به سرکار آمده بود، اکنون و پس از عادی سازی روابط با قدرتهای غربی در دوره «پسا برجام» «نه تنها وضعیت اقتصادی و زندگی توده های طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه بهبود نیافته است بلکه شتاب نظام حاکم در پیاده کردن قوانین سلاطین سرمایه و برقراری نئولیبرالیسم اسلامی، بحرانهای نظام حاکم را مخرب تر از پیش نموده و اثرات آن بر روی زندگی مردم وحشتناک تر شده است. افزایش قیمت کالاهای ضروری برغم ادعای مهار تورم، گسترش ابعاد اخراجهای دسته جمعی، عدم پرداخت بقوق و دستمزد ها، گسترش ابعاد بیکاری، بی مسکنی، عدم بهداشت و درمان، فقدان آزادیهای سیاسی، پائین نگهداشتن سطح دستمزدها (تعیین ۸۱۲ هزار تومان

در ماه که چند برابر زیر خط فقر محسوب میشود، از جمله ابتکارات وزارت کار و تشکل های وابسته دولتی در استانها سال جدید بود که به حق مورد اعتراض کارگران آگاه و پیشرو قرار گرفت) و.. سرکوب مداوم و بی وقفه فعالین کارگری و سایر جنبش های اجتماعی انقلابی و ترقی خواهانه، روزگار سیاهی را در برابر چشم انداز آینده اکثریت مردم کارگر و زحمتکش گشوده است. در عین حال تداوم و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری که بی وقفه ادامه داشته است توده های هر چه وسیعتری را به مبارزه علیه سرمایه سوق داده و سرنوشت آنان را به مبارزات پرلتاریای انقلابی گره زده است. هم اکنون با گسترش ابعاد اعتراضات و مبارزات و مقاومت کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه در برابر تعرضات عنان گسیخته مافیای قدرت و ثروت، عملاً شاهد جنگ میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار و بین محرومین و اغنیا هستیم. در چنین شرایطی اول ماه مه روز جهانی کارگر، فرصتی است تا کارگران پیشرو به سازماندهی تظاهرات اول ماه مه همت گماشته و با طرح شعارها محوری کار - مسکن - آزادی و سایر مطالبات محوری، از جمله آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، افزایش سطح دستمزدها و دیگر مطالبات اقتصادی و سیاسی، کارگران را به اتحاد و یکپارچگی در مقابل دولت و سرمایه داران فراخوانند.

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی

کارگران

زنده باد انترناسیونالیسم پرلتری

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اردیبهشت

۱۳۹۵

گسترش اعتصابات کارگری و موج اعتصاب در زندانها بازتابی از ناتوانی

رژیم در مهار بحران

برگزاری دادگاه تجدیدنظر تعیین شعبه نشده است.

از سویی دیگر سازمان عفو بین الملل در گزارش مورخ ۲۱ فروردین ماه مدعی شد سعید شیرزاد، افشین بایمانی، مسعود عرب چوبدار، فرید آزموه، ایرج حاتمی و بهزاد ترحمی دیگر زندانیان سیاسی و امنیتی محبوس در زندان رجایی شهر کرج با درخواست اجرای اصل تفکیک جرایم در اعتصاب غذا بسر می برند.

گزارشات حاکی است، که علاوه بر زندانهای مرکز در زندان شهر اردبیل نیز چهارتن از فعالان ترک (آذری) محبوس با درخواست اجرای اصل تفکیک جرایم و بهبود شرایط محیطی خود از جمله بهداشت از سه روز پیش دست به اعتصاب غذا زده اند.

صالح پیچگانلو، مصطفی پروین، سعید صادقی فر، مرتضی پروین اسامی زندانیان اعتصاب کننده در زندان اردبیل است که طی تماس های جداگانه ای با خانواده های خود از اقدام به این اعتصاب خبر داده اند.

این اعتصابات درحالی ادامه دارد که اسماعیل عیدی از مسئولین تشکل معلمان وجعفر عظیمی از فعالان کارگری در زندان اوین اعلام نموده اند از روز اول ماه مه در اعتراض به اتهامات مطروحه علیه فعالین کارگری و معلمان دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهند زد.

زندانیان سیاسی در شرایطی اقدام به اعتصاب غذا، این تنها وسیله موثر مبارزه در داخل زندان، کرده اند که فشار و تعرض بر سطح معیشت و زندگی کارگران، معلمان و دیگر زحمتکشان روزبه روز افزایش

اعتصابات زندانیان سیاسی در اعتراض به وضعیت وخیم زندانها بی عدالتیها و ظلم و ستم و آزار و اذیت زندانیان سیاسی در اکثر زندانهای کشور در حال گسترش است. بنا به گزارش سازمانهای مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان، زندانیان سیاسی یا امنیتی زیادی از جمله سید حسین رونقی ملکی، امیر امیرقلی، سعید شیرزاد، رمضان احمد کمال، افشین بایمانی، مسعود عرب چوبدار، فرید آزموه، ایرج حاتمی، بهزاد ترحمی، صالح پیچگانلو، مصطفی پروین، سعید صادقی فر و مرتضی پروین در زندانهای مختلف کشور با مطالبات مختلفی دست به اعتصاب غذا زده اند، در مواردی به گفته خانواده های زندانیان آنان از نوشیدن آب نیز امتناع می کنند. علاوه بر زندانیان داخل زندان افراد دیگری از بستگان زندانیان نیز در مقابل درب زندانها دست به اعتصاب و اعتراض زده اند. پدر حسین رونقی ملکی یکی از کسانی است که مقابل زندان اوین در همراهی با فرزندش اعتصاب خود را آغاز کرده است.

امیر امیرقلی فعال دانشجویی سابق و زندانی سیاسی بند هشت زندان اوین، در دیماه ۱۳۹۴ به اتهام «توهین به مقدسات»، «توهین به رهبری»، «اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت ملی»، «اخلال در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات» و «تبلیغ علیه نظام» از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به ۲۱ سال حبس تعزیری محکوم شد. طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات و با تجمیع جرائم، حداکثر هفت سال و نیم از این مجازات قابلیت اجرا دارد. پرونده وی تاکنون جهت

مییابد و آنها به اشکال مختلف از جمله اعتصابات، اعتراضات خیابانی، تحصن در مقابل ادارات دولتی به مقابله با این تعرضات پرداخته و خواهان تحقق مطالبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود هستند.

اما رژیم اسلامی که با عقب نشینی در مقابل غرب و دست کشیدن از ادعا های واهی هسته ای خود اینک گرفتار تضادهای داخلی و ناتوان از حل بحرانهای اقتصادی است و تمام وعده و وعید های دولت «تدبیر و امید» در رابطه بهبود زندگی توده های مردم به طاق نسیان سپرده شده است و فساد، ارتشاء، دزدی اموال عمومی، افشا شدن میلیاردها تومان اختلاس بوسیله آقازاده ها و رانت خواران وابسته به حاکمیت، در کنار وخامت زندگی توده های میلیونی که حتی از دریافت بموقع دستمزد های ناچیزشان هم محروم هستند، فضای آلوده و نگران کننده ای برای رهبران نظام ایجاد نموده است. آنها تهاراه چاره را فشار به طبقه کارگر و اقشار زحمتکش یافته اند و با گشودن راه ورود هرچه بیشتر سرمایه های امپریالیستی و ایجاد امنیت لازم برای چپاول آنها و همپالگیهای داخلی شان در تلاش گذرازمداربسته بحران هستند. امروز جنگ و دعوا و مجادله جناح های مختلف رژیم نه در نفی چنین اقدامی بلکه در چگونگی عملی کردن چنین سیاستهایی است و اینکه از این خوان یغما هرچه بیشتر نصیب خود سازند. بیهوده نیست که مجادلات اقتصادی پسابرجام و اجرای عملی «اقتصاد مقاومتی» و دعوت متلتمسانه از امپریالیستها برای درک موقعیت بحرانی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، با موج سرکوب ها و دستگیری فعالان کارگری، معلمان، روزنامه نگاران، هنرمندان، فعالین عرصه مبارزه

گسترش اعتصابات کارگری و موج اعتصاب در زندانها بازتابی از ناتوانی ...

علیه ستم ملی و جنسی ... و تشدید فشار بر زندانیان و افزایش شمار اعدام ها توأم شده است .

اشک تمساح دولتهای غربی بر نقض حقوق بشر در این میان نیز بیشتر از اینکه محکومیت جمهوری اسلامی و اقدامات ضد بشری آن را هدف گرفته باشد، مستمسکی در دست هیئت های اعزامی سرمایه داران و انحصارات امپریالیستی به ایران بمنظور دریافت سهم بیشتر از استثمار نیروی کار و چپاول جامعه و فریب افکار عمومی کشورهای خود است.

امروز موج گسترده اعتصابات و اعتراضات کارگری و دیگر محرومین و ستمدیدگان جامعه به همراه اعتصابات فعالین و رهبران آنها در زندانها، خودگواه این است که در دوران پساجام بحران نتنها فروکش نکرده است، بلکه تأثیرات ویران کننده آن برگرده طبقه کارگر و اکثریت عظیم زحمتکشان جامعه آنها را به عرصه مبارزه و مقاومت بیشتر و گسترده تر کشانده است . در حالیکه امروز نه ابعاد گسترده بحران اقتصادی و اجتماعی و نه بازتاب آن در تشدید تضادهای درون حاکمیت از یکسو و نه مقاومت و مبارزه کارگران و دیگر زحمتکشان چشم انداز جمهوری اسلامی با آینده ای اطمینان بخش را به دول امپریالیستی نمیدهد.

برغم مهندسی انتخابات و سازش جناح های مختلف رژیم در اجرای طرح عقب نشینی در برابر غرب، اما در فاصله ای نه چندان طولانی بار دیگر ابعاد بحران بردامنه تناقضات رژیم و جناح بندی های درون آن افزوده است . آنها برغم تضاد و تناقضات

موجود اما متفق القولند که با اتکاب به پشتیبانی سرمایه داران داخلی و حمایت قدرتهای خارجی و سرمایه های غربی تا فرصت از دست نرفته است با آرام کردن کانونهای تناقض درون خویش راه را برای ایجاد فضای دلخواه سرمایه داری جهانی هموار نموده و با گشودن خان یغما ی بی حد و حصر در برابر غارتگران بین المللی، بحران کنونی سرمایه داری ایران را اگر چه نمیتوانند حل بکنند، حد اقل تخفیف دهند. اما تردیدی نیست که این امر در شرایط کنونی جمهوری اسلامی و توازن قوای موجود از یکسو و گسترش ابعاد اعتصابات و اعتراضات کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی، به سادگی امکانپذیر نیست.

در چنین شرایطی بموازات گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران ، و دیگر اقشار اجتماعی ، مبارزات زندانیان سیاسی به شیوه های مختلف در اعتراض به بازداشت ها و محکومیت های خودسرانه و اعمال فشار و شکنجه در زندانها و حق فعالیت ازادانه و داشتن تحزب و تشکل، بازتابی است قانونمند از اعتراضات اجتماعی در ایران علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب که چشم انداز نوینی را در عرصه مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم میگذشاید. و باید مورد پشتیبانی و همراهی و همگامی همه انسانهای آزادیخواه و عدالت پژوه قرار گیرد.

امروز لازم است در مقابل با طبقه چپاولگر حاکم و دارو دسته مذهبی و ارتجاعی آن و اقدامات آنها برای رهائی از ورشکستگی و اضمحلال و در مقابل با سرکوب، زنان و شکنجه و اعدام، توده های

طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را بسیج کرد. مقابل با سیاست های سرکوبگرانه رژیم چه در درون زندانها و چه در بیرون از آن در گرو ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیافتگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم و همچنین درک ضرورت سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خویش از طریق دست زدن به اعتصابات عمومی و قیام مسلحانه علیه مافیای قدرت و ثروت حاکم بر سرنوشتشان است.

یدی شیشوانی هفتم اردیبهشت ۹۳

گشت نا محسوس

با گشت نا محسوس اینک

خیابانهای تهران را گرفتن

بجای لات ولوتها زورگیرها

یقه دختر پسرها رو گرفتن

یکی در تهران اختلاس کرد

همه لرها ی لرستان رو گرفتن

به خاک و خون کشید این ملک اقا

لبو فروش تو داراب رو گرفتن

بجای مختلس های دولت

بیانیه زندانیان سیاسی و عادی بمناسبت اول ماه مه

در آستانه اول ماه مه عده ای از زندانیان سیاسی و عادی طی بیانیه ای ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر، مطالباتی را مطرح نموده اند که به پاس احساس مسئولیت این زندانیان و نیز باتوجه به عمومیت داشتن خواست ها و مطالبات مطروحه از طرف آنها، این بیانیه را منتشر میکنیم.

بیانیه جمعی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی دربند به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر

در آستانه فرارسیدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر که تقارن جالبی با روز معلم دارد، ضمن ارج نهادن به این دو مناسبت و با استقبال از فراخوان مبتکرانه آقایان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی مینی بر دعوت از تمامی تشکلهای، سندیکاهای صنفی کارگران، معلمان و اعضا و گروهها و افراد آزادیخواه و معترض برای حمایت از خواستهای برحق جنبش مشترک کارگران و معلمان، که بطور واقعی خواستهای همگانی است، تاکید داریم که موفقیت این حرکت به حق اعتراضی منوط به همیاری و نیروی محرکه کارگران، معلمان و تمامی زحمتکشان مبارزی میدانیم که با پتانسیل عظیم خود میروند برای ساختن تغییراتی بنیادی برای داشتن زندگی ای شایسته انسان.

اینک ضمن گرامیداشت یاد و خاطره عزیزان از دست رفته شاهرخ زمانی، کورش بخشنده، فرزاد کمانگر و دهها فعال کارگری و معلمان معترضی که در راه حقوق انسانها، بویژه کارگران و معلمان،

از جان گذشتند، یادآور میشویم که بی گمان در مقطعی حساس از تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه خود فرار داریم.

در شرایطی که بی تدبیری حاکمان در عرصه امور داخلی و ماجراجویی های آنان در منطقه پر آشوب خاورمیانه، سبب ایجاد شرایط بحرانی در اقتصاد و معیشت اکثر ایرانیان خصوصا کارگران و معلمان گردیده است. و متأسفانه شاهد آنیم که حاکمیت به جای تدبیر و چاره جویی برای رفع مشکلات مردم همچون گذشته بیش از پیش تمرکز بر قوای قهریه گذاشته است.

سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگران و معلمان و مردم معترض، مخالفت با هر گونه تلاش برای ایجاد تشکل در میان کارگران، معلمان و تشکلهای مستقل کارگری و غیر کارگری، تهدید و فشار همراه با بازداشت و زندانی کردن تعداد کثیری از فعالین کارگری و اجتماعی و حقوق بشری. و.. همگی دال بر صحت هر چه بیشتر میلیتاریزه شدن حاکمیت است. اما هر عقل سلیم و آزاداندیشی به سادگی در می یابد که این اوضاع و احوال دیری نمی پاید.

هم میهنان، مردم به ستوه آمده ایران! ما زندانیان سیاسی و غیر سیاسی در بند مجدداً ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر و معلم بار دیگر بر خواستهای به حق کارگران، معلمان و مردم به جان آمده از فقر و این زندگی جهنمی پافشاری میکنیم:

۱- خارج کردن اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» و دیگر اتهامات امنیتی از پرونده مفتوح کارگران و معلمان معترض و همه اکتیویست های سیاسی و لغو احکام صادر شده زندان برای آنان.

۲- افزایش دستمزدها به بالای خط فقر
۳- بیمه درمانی و تحصیل رایگان برای همه

۴- افزایش حقوق بازنشستگان به بالای خط فقر و پرداخت بموقع آن

۵- اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور و امن شدن فوری محیط های کار

۶- پرداخت فوری حقوقهای معوقه کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و حقوق بگیرانی که ماهها پرداخت حقوقشان به تعویق می افتد.

۷- زندگی شایسته برای تمام کودکان و برخورداری آنها از حق تحصیل رایگان و یک زندگی شاد

۸- برابری کامل زن و مرد

۹- لغو مجازات اعدام

۱۰- رفع تبعیض حقوق کارکنان دولت

۱۱- رعایت مواد ۱ و ۴۱ قانون کار و نیز ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد و مقوله نامه های سازمان جهانی کار در پایان اعتراض خود را به ازدیاد فشار های نهادهای امنیتی اطلاعاتی بر تمام فعالین کارگری و اجتماعی در زندان و در بیرون از زندان از جمله بر روی آقایان محمود صالحی، رضا شهابی، داود رضوی، [مددی علیرضا بهشتی، محمد رضا آغوشی و بسیاری از فعالین کارگری و معلمان معترض و بسیاری دیگر اعلام میداریم..

ما از همه کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، جمعیت عظیم بیکاران، خانواده های کارگری و همه محرومان جامعه میخواهیم در اول مه با اتحاد و همبستگی به میدان آیند تا ضمن دفاع از خواستهای بر حق خود و برای دست یابی به یک زندگی بدور از بردگی و استثمار به میدان آیند و خواستار آزادی



بیانیه زندانیان سیاسی و عادی بمناسبت اول ماه مه

فوری همه کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی شوند.

در آخر خوبست متذکر شویم. که شنیده ایم افرادی معذور تحت عنوان فعال کارگری و معلم با تنگ نظری و خرده حسابهای شخصی، طی بیانیه ای تلاش کرده اند، حرکت ارزشمند دوستان همبندمان جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی را که به راستی صدای اعتراض همه ما کارگران زندانی و زندانیان دربند را نمایندگی کرده اند، تحت عنوان اینکه اینها فرد هستند، و غیره، تخطئه کنند. اگر چه نتوانستند، در برابر حقانیت خواسته آنان سکوت کنند. این افراد چشمشان را بر این واقعیت بسته اند، که در شرایطی که خبری از حق تشکل و حق بیان آزاد عقیده نیست، و هر حرکت و اعتراضی در این راستا همانطور که دوستان ما جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی اعلام کرده اند، با مهر اخلال در امنیت ملی کشور، با پیگرد و زندان روبرو میشود، حتی اگر یک نفر هم صدایش را بلند کند و در برابر این وضعیت قد علم کند، باید با حمایت وسیع و گرم ما کارگران، ما معلمان و ما مردم روبرو شود. این افراد میتوانند سکوت کنند، اما این کار آنها چیزی جز تفرقه افکنی و به ضرر ما کارگران و ما زندانیان دربند نیست. اگر چه این نوع بحث ها ذره ای از حقانیت موضوع کم نکرده و کم نخواهد کرد.

برقرار باد اتحاد کارگران، معلمان و تمامی
زحمتکشان ایران

گرامی باد اول مه روز همبستگی کارگران
و معلمان
امضا ها

زندانیان با اتهامات سیاسی:

- ۱- مهدی عظیمی
- ۲- محمد جراحی از زندان تبریز
- ۳- بهنام ابراهیم زاده
- ۴- زانیار مرادی
- ۵- رمضان احمد کمال
- ۶- وحید موسوی
- ۷- محمد ابراهیمی
- ۸- احمد کریمی
- ۹- ناصر حمیدی شهرابی
- ۱۰- ابراهیم پیروزی
- ۱۱- حمید نوروزی
- ۱۲- مسعود عرب چوبدار
- ۱۳- رضا کاهی
- ۱۴- حسن کاکاوند
- ۱۵- ایرج حاتمی
- ۱۶- علیرضا فراهانی

زندانیان با اتهامات غیر سیاسی:

- اسماعیل سفری
جواد انبار
سامان محمدی
شکرالله الله یاری
مجید عابدینی
حسین کریمی
خداداد حسنی
رضا قاسمی
محمد ظاهری
سعید احمدی
مجید آسف خانی
علیرضا ناصر
اسد محمدی
آرش وصلی
شهاب افشار زاده
دانیال حسن یاری
سعید عباسپور
حسن حسین پور

رحیم نظری

- ناصر بابایی
داود جهانگیری
فاضل دین پرور
احمد پوررنگ
احمد نیک نژاد
میر محمد موسوی
از زندان رجایی شهر

تراکت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵)

کارگران پیشرو و فعالین جنبش کارگری،
رفقای فدائی، با طرح شعار محوری
و سراسری
کار- مسکن- آزادی، کارگران را به اعتصابات
و تظاهرات انقلابی برای تحقق خواست های
اقتصادی و سیاسی شان فرا بخوانید
علاوه بر شعار محوری، شعارهای دیگری هم
هستند که خواست های عمومی طبقه کارگر
ایران را منعکس میکنند
افزایش سطح پایه دستمزد ها.
آزادی بیدون قید و شرط کارگران دستگیر شده
و همه زندانیان سیاسی
بیمه بیکاری باشمولیت همه کارگران
برخورداری همه از بیمه های اجتماعی
متوقف کردن اخراجها
بازگشت همه اخراجی ها برسرکار
لغو هرگونه قراردادهای موقت و استخدام
رسمی کارگران قراردادی
پرداخت حقوق های معوقه با احتساب مقدار
ضرر و زیان ناشی از دیرکرد آن
برقراری ازادیهای سیاسی و لغو سانسور
و سرکوب از جمله شعارهای سراسری
محسوب میشوند
درکنار شعارهای عمومی بطور طبیعی
کارگران هرکارخانه خواستهای صنفی
و اقتصادی و سیاسی مختص بخود را
نیز در این روز طرح میکنند که باید مورد
پشتیبانی همه کارگران قرارگیرد
ما بمثابة بخشی از کارگران و فعالین کمونیست
متشکل در سازمانش اتحاد فدائیان کمونیست،
ضمن شادباش روز جهانی کارگر، همه
کارگران پیشرو بویژه فعالین سازمان را به
سازماندهی و شرکت در تظاهرات اول ماه
مه و طرح شعار محوری کار-مسکن-آزادی و
سایر مطالبات پایه ای کارگران فرامیخوانیم.
زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
نابود باد نظام سرمایه داری
زنده باد سوسیالیسم
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست اول
اردیبهشت ۱۳۹۵

اطلاعیه شورای نمایندگان احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست

برای اتحاد و همبستگی صفوف طبقه کارگر ایران

هر ساله در روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگر، صفوف جنبش کارگری در پهنه ی جهان سرمایه داری به حرکت در می آید و یک بار دیگر، حضور و قدرت جمعی خود را به نمایش می گذارد. کارگران در هر گوشه ای از جهان، با هر زبان و ملیت و نژاد، خود را در یک همبستگی و اتحاد طبقاتی، در هم سانی و موقعیت هم گونی مشاهده می کنند. در چنین روزی کارگران مجال می یابند که بر موقعیت متمایز خود به عنوان یک طبقه بزرگ اجتماعی در جامعه ی سرمایه داری و با مطالبات مشترکی که با هم طبقه ای های خود در دورترین نقاط جهان دارند تاکید نمایند و با شعار هم بستگی جهانی کارگران، بر فراخوان تاریخی و سرنوشت ساز: «کارگران جهان متحد شوید» مهر تایید بکوبند.

بویژه موج تعرض نئولیبرالی سرمایه داری جهانی به موقعیت طبقه کارگر در چند دهه اخیر در همه نقاط جهان، روند افزایش نابرابری از یک سو و فقرزدگی در میان اکثریت توده های مردم را از سوی دیگر به شکل بی سابقه ای افزایش داده است. سرمایه داری جهانی نه فقط در مناطق حاشیه بلکه هم زمان در مراکز اصلی خود دست آوردهای چند قرن مبارزات جنبش کارگری و سوسیالیستی نظیر نظام تامین اجتماعی، آزادی تشکل و اعتصاب، حقوق کار مندرج در قوانین کار را به آماج تعرض خود مبدل ساخته است.

این تعرض همه جانبه سرمایه داری اما از سوی طبقه کارگر بی پاسخ نمانده است. ما اکنون شاهد مبارزات گسترده جنبش کارگری در کشورهای مختلف سرمایه داری هستیم. در کشورهای جنوب اروپا نظیر یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و فرانسه و نیز در چند کشور مهم آمریکای لاتین

نظیر آرژانتین و برزیل، در هند، چین، بنگلادش، کامبوج و آفریقای جنوبی، مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد برای ساعت کار آمریکا... مبارزات کارگری به صورت افزایش اعتصابات و به ویژه اعتصابات عمومی خیز قابل ملاحظه و چشم گیری برداشته است. روند کنونی سرمایه داری جهانی با بی آینده ساختن جوانان و نرخ فوق العاده بالای بیکاری در میان آن ها، طوفانی از مبارزات جوانان شورشی به صورت جنبش های اعتراضی و اشغال در کشورهای مختلف برانگیخته است که از مضمون ضد سرمایه داری قوی برخوردار بوده و می توانند به متحد نیرومند و موثر جنبش کارگری در بیکاری های ضد سرمایه داری مبدل شوند. نباید فراموش کرد که کانون های نیرومند جنبش کارگری در کشورهای هائی قرار دارد که در آن جنبش کارگری از تشکل های نیرومند طبقاتی و سوسیالیستی برخوردار بوده و به مدد آن ها توانسته است با تعرضات اقتصادی، سیاسی سرمایه داری به مقابله موثر برخیزد. این واقعیت ها نشان دهنده حقانیت پیام سوسیالیسم علمی به عنوان علم رهائی کارگران است مبنی بر آن که "طبقه کارگر سازمان یافته و برخوردار از آگاهی طبقاتی "کُنشگر رهائی طبقاتی و اجتماعی خود و همه بشریت می باشد.

رژیم جمهوری اسلامی به عنوان پاسدار و نگهبان نظام سرمایه داری پوسیده حاکم بر ایران، نمونه ای آشکار و رسوا از عقب مانده گی قرون وسطائی و ارتجاع، با جنایت و فساد مافیای حاکم بر این نظام، از اولین روز موجودیت آن شناخته می شود. سران جنایتکار جمهوری اسلامی طی چند دهه حاکمیت ارتجاعی خود ثروت های ملی کشور را به تاراج برده و در میان باندهای مافیائی حاکم تقسیم کرده اند؛ منابع کشور را در ساختن دستگاههای عریض و طویل سرکوب و یا در ماجراجویی های نظیر رجزخوانی های ضد استکباری ارتجاعی، برنامه های هسته ای و تسلیحاتی بریاد داده و کشور را در منگنه تحریم های فلج کننده فرو برده اند؛ در رقابتی جنون آمیز با رقبای منطقه ای و یا وارد شدن در بلوک بندی های قدرت های امپریالیستی در منازعات منطقه ای نقش تعیین کننده ای در

شعله ور ساختن آتش جنگ های فرقه ای در گوشه و کنار خاور میانه داشته و دارند. هزینه کمرشکن و جبران ناپذیر این سیاست های ارتجاعی داخلی، منطقه ای و بین المللی رژیم جمهوری اسلامی را اکثریت مردم ایران از طریق سقوط وضعیت اقتصادی، رکود توری غیرقابل مهار، بی ارزش شدن ارزش پول ملی، افت دائمی قدرت خرید، گسترش بیکاری و تعمیق هر چه بیشتر فقر و فلاکت پرداخته و می پردازند.

در این میان وضعیت معیشتی و اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکشان با سقوط دائمی مواجه است. میزان حداقل دستمزد اعلام شده توسط شورای عالی کار برای امسال (۸۱۲ هزار تومان) چهار برابر کمتر از خط فقر رسمی است که به منزله تحمل فلاکت گسترده به طبقه کارگر است. بیش از نود درصد قراردادهای کار سفید امضاء هستند، بخش مهمی از کارگران حقوق های خود را ماه ها دریافت نمی کنند به طوری که دریافت حقوق های معوقه از جمله مهم ترین و پایه ای ترین بخش مطالباتی کارگران را تشکیل می دهد، کارگرانی که بیکار می شوند به خاطر فقدان نظام تامین اجتماعی به فقر اقتصادی سقوط می کنند. در برابر این وضعیت فاجعه بار مقاومت طبقه کارگر ایران رو به رشد نهاده است. گسترش جنبش مطالباتی کارگری در همه عرصه ها در سالیان اخیر علیه وضعیت اقتصادی اجتماعی فلاکت زا در اکثر مراکز تولیدی و در نقاط مختلف کشور، مبارزات معلمان و پرستاران زحمت کش و سایر بخش های اردوی عظیم کار و زحمت آن هم در شرایط حاکمیت یک رژیم درنده خو و سرکوبگر نشان دهنده ظرفیت های عظیم جنبش کارگری در به چالش طلبیدن ارتجاع حاکم است. مطالبات بی واسطه جنبش کارگری نظیر: پرداخت فوری حقوق های معوقه، افزایش حداقل دستمزد براساس خواست تشکل های مستقل کارگری، تعطیلی رسمی اول ماه مه در هر سال با پرداخت حقوق و نیز حق همه کارگران برای برگزاری مراسم اول ماه مه در هر شکل، انحلال خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و همه ادامه در صفحه ۱۵

رفقای کارگر!

اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران سراسر جهان در راه است. روزی که اندام سرمایه داری جهانی زیر گام‌های استوار و صفوف متحد پرولتاریای جهان به لرزه درمی‌آید.

در یازدهم اردیبهشت که مصادف است با اول ماه می میلیون‌ها کارگر در جهان، تولید را متوقف می‌سازند و با برپایی گردهم‌آئی‌ها، راهپیمائی‌ها و تظاهرات، عزم و اراده اکثریت جامعه جهانی (پرولتاریا و زحمتکشان) را به نمایش می‌گذارند روز همبستگی بین‌المللی کارگران امسال نیز در شرایطی برگزار می‌گردد که جهان سرمایه‌داری، انحطاط و فروپاشی خود را که بازتابی از تضادهای اشتی ناپذیر این نظم است، در بحران‌های گوناگون به نمایش گذاشته است.

بحران اقتصادی جهانی که از سال ۲۰۰۷ آغاز گردید، باگذشت نزدیک به یک دهه، حل نا شده، باقی‌مانده است. و اگر در کوتاه مدت تخفیف و یا رکودی داشته بار عمده این تخفیف بر دوش کارگران جهان سوم تحمیل گردیده است. ادامه این بحران علی‌رغم تمام بوق و کرناهای سرمایه داری و وعده‌عیده‌های نمایندگان سیاسی آن‌ها، مشخص‌ترین دلیل بر پوسیدگی نظامی است که دوران آن گذشته است. این‌که به‌رغم تمام تلاش‌های کارشناسان مزدور این نظام پوسیده جهانی این بحران بی‌وقفه ادامه یافته، نشان می‌دهد که تضادهای شیوه تولید سرمایه‌داری به آن درجه از شدت رسیده‌اند که دیگر نمی‌تواند در چارچوب نظم موجود حل شود. این بدان معناست که راه‌حل این تضادها، نفی شیوه تولید سرمایه‌داری و کار مزدی است. همان‌گونه

که در تمام شیوه تولید ماقبل این نظام نیز اوضاع چنین بوده است. و فقط در بر یک پاشنه چرخیده وان چیزی نبوده جز آنکه نظام منحن و پوسیده باید برود و جای خود را به نظم نوینی واگذار نماید. این طبیعی است که طبقات حاکم همیشه سعی نموده‌اند که با تمام ابزار خود بخصوص ابزار سرکوبی که در ید خود دارند برای حفظ نظم موجود استفاده نمایند و در برابر هرگونه تغییر مقاومت نمایند همانگونه که طبقه انقلابی نیز در مقابل مقاومت نموده و با تشکل و هجوم خود برای در هم شکستن ماشین سرکوب طبقه حاکم موازنه قدرت را بر هم زده و نظم نوین را بنا گذاشته است

رفقا:

در کشور ما که هارترین و عجب مانده ترین بخش ارتجاعی سرمایه یعنی سرمایه تجاری (دلالی) حاکم است و او نیز از این قانون مستثنی نیست این طبقه ارتجاعی نیز با توسل به هر شیوه سعی بر این دارد که نظم موجود را حفظ نماید و بدین منظور از سرکوب هر صدای برابری طلب گرفته تا سرکوب تشکل‌های کارگری حتی سرکوب تشکل‌های صنفی کارگری را که طبقه سرمایه داری جهانی نیز آن را برسمیت شناخته بر نمی‌تابد و با شدت هرچه تمامتر تاکنون با آن برخورد نموده است. سرمایه داری ارتجاعی حاکم از همان بدو به قدرت رسیدن خود ابتدا نیروهای انقلابی و کمونیست را مورد هدف قرار داد و سپس یه دست آورد های قیام بهمن ماه که تشکلات مستقل کارگری بود یورش یرده و به جای آن تشکل های دولت ساخته را مستقر نمود که این تشکل های مزدور در کنار طبقه سرکوبگر عامل سرکوب بیشتر طبقه کارگر شده اند.

حقوق ماهیانه ۸۱۲ هزار تومان برای سال ۹۵ دست پخت همین تشکلات دولت ساخته و وزارت کار است که خود یک سوم خط فقری است که ارگانهای خود رژیم اعلام نموده است و این در حالی است که این به اصطلاح نماینده گان کارگران (در واقع نماینده گان تحمیل شده به طبقه کارگر) خود دستمزد مزدوری خود را به چندین برابر می‌ستانند تا به کارگران خیانت نمایند.

جمهوری جهل و جنایت اسلامی در طی این سالها با در دست داشتن ابزار سرکوب همواره مانع تشکل های مستقل کارگری گردیده است زیرا بدرستی میداند که پا گرفتن یک تشکل سراسری که چتر حمایت خود را نیز بر دیگر تشکلات بگستراند ناقوس مرگ وی را بصدا در خواهد آورد. به منظور جلوگیری از بوجود آمدن چنین تشکلی دست به هر کاری زده است از جمله اشاعه اعتیاد بصورت گسترده در جامعه و بخصوص در بین زحمتکشان و درون کارگران اشاعه فساد و اعتیاد در بین دانشجویان و معلمان و انجایی که این حربه ها کارگر نیفتاده است و صدایی برای اعتراض مانده ان را نیز با داغ و درفش و زندان پاسخ گفته است. برای مبارزه با جمهوری جنایت کار اسلامی بازوهای سرکوب ان را قطع باید نمود و با فرهنگ منحن سرمایه داری دلالی حاکم بر جامعه نیز به مبارزه برخاست.

پس راهی دشوار پیش رو داریم باید با تمام مظاهر فساد و اعتیاد و سرکوب مبارزه نموده همزمان تشکلهای مستقل خود را برای پیگیری خواستههای برحقمان بنا بگذاریم.

باید اول ماه می را هرچه باشکوهتر و مستقل از تشکل های دولت ساخته برگزار نمود و این جشن خجسته را با اعلام خواسته

عزم شان جزم و رزم شان پایدار باد!

بتواند خود را آگاه و متشکل و متحد کرده و به رسالت تاریخی خود در دگرگونی جامعه و پایان دادن به ستم و استثمار و زور و سرکوب عمل کند و به همین دلیل رژیم جمهوری اسلامی بمثابه مدافع نظام منحط سرمایه داری حاکم بر کشور، از تشکل و آگاهی طبقه کارگر می ترسد و از این رو بابرقراری رژیم ترور و وحشت و خفقان، کارگران مبارز و پیشرو را دستگیر و به زندانهای طویل المدت محکوم میکند، هیچگونه امکان فعالیت آزادانه به احزاب و سازمانهای مدافع منافع کارگران نمیدهد. چرا که بقدرت عظیم کارگران آگاه است. میداند که کارگران چگونه با اعتصابات عمومی خود قدر قدرتی شاه و دستگاه های جهانی آن را فلج کردند، برپائی کمیته های اعتصاب و شوراهای کارگری را فراموش نمیکند. به میدان آمدن توده عظیم زحمتکشان در نتیجه حمایت و پشتیبانی

کارگران را میدانند و به همین دلیل بیشترین احساس خطر را از سوی کارگران متوجه خود میدانند.

اما ناگفته پیداست که مبارزه در چنین محیط خفقان آوری، برای کارگران شرایطی را بوجود آورده است که طبقه کارگر هنوز پراکنده است و فاقد تشکل های اقتصادی، و صنفی و سیاسی مستقل خود است. همین وضعیت و وظایف خطیری بردوش کارگران پیشرو و کمونیستها قرار میدهد. آنها برای فائق آمدن بر این پراکندگی ها وضعف ها، باید با انرژی صد چندان بیشتر به تبلیغ و ترویج و به کار و فعالیت سازمانگرانه و آگاهگرانه در میان کارگران همت گمارند. مبارزات کارگران را در سطحی که هست، یاری رسانده و در هدایت آنها به سمت پیروزی یار همیشگی کارگران باشند. آنها باید از هر پیروزی کارگران پلی سازند برای گذر از موانع و کسب پیروزیهای بیشتر. کارگران پیشرو و رفقای کارگر لحظه ای نباید از آگاه نمودن

توده های کارگر نسبت به منافع طبقاتی خود و آموزش و تربیت آنها با روحیه انقلابی غافل باشند. از هراعتراض و اعتصاب و تظاهرات ولو کوچک که علیه سرمایه داران و دولت صورت میگیرد باید نهایت استفاده را در جهت ارتقای سطح آگاهی، تشکل و رزمندگی کارگران به عمل آورند و به شورش و شوق مبارزه در میان آنان دامن بزنند. در جریان این مبارزات است که کارگران به اهمیت آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نیز بیش از پیش پی برده و به دفاع پیگیر از مبارزه برای آزادیهای سیاسی کشیده خواهند شد. تردیدی نیست که کارگران، در مبارزه علیه اختاپوس سرمایه و دولت ارتجاعی و مذهبی آن، راه صعب و درازی در پیش رودارند. در پیشبرد این مبارزه، عزم شان جزم و رزمشان پایدار باد.

یدی شیشوانی ۸ اردیبهشت ۱۳۹۵

تراکت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۵) اول ماه مه روز تجلی همبستگی کارگران سراسر جهان است. در این روز

کارگران و زحمتکشان!

کارگران سراسر جهان دست از کار میکشند و با طرح خواست های کوتاه

و بلند مدت خود، صف مستقل و همبسته خویش را در برابر نظام سرمایه

داری به نمایش میگذارند و برای انسانهای روی زمین گوشزد میکنند که دنیای دیگری هم ممکن است که در آن از ظلم و ستم و استثمار طبقاتی خیری نباشد. بیکاری، بی مسکنی، گرسنگی و جنگ و کشتار و تبعیض در تمامی عرصه ها به زیاله دانی تاریخ سپرده شوند. البته چنین دنیائی در طبق زرین به بشریت تقدیم نخواهد شد. برای رسیدن به چنین جامعه ی شایسته انسان، باید بانظام طبقاتی موجود و تمامی تبعات ویران کننده آن جنگید. چراکه تاریخ به اثبات رسانده است و هر انسانی در زندگی روزمره خویش میبیند و با گوشت و پوست خود احساس و درک و لمس میکند که با وجود نظام سرمایه داری، تصور چنین دنیای انسانی و هم و خیالی بیش نیست. نیروی قدرتمند چنین تغییری طبقه کارگر است که تاریخ این رسالت را بر عهده وی گذاشته است.

در روز جهانی کارگر با شرکت در آکسیونها، تظاهرات و تجمعات کارگری از طبقه کارگر و خواست ها و

مطالبات آنها دفاع کنید. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست سوم اردیبهشت ۱۳۹۵

رفقای کارگر!

های برحق خود به ناقوس مرگ سرمایه داری حاکم بدل نمود.

باید به دفاع از خواسته‌های برحق دیگر تشکلهای زحمتکشان جامعه (معلمان و پرستاران و...) برخاست و چتر حمایت طبقه کارگر را بر سر آنها کشید.

و در یک کلام باید قدرت توده ای را به سرمایه داری نشان داد و در این نبرد توازن قوا را بر هم زد. از هم اکنون با گسترش ابعاد اعتراضات و مبارزات و مقاومت کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه در برابر تعرضات عنان گسیخته مافیای قدرت و ثروت، عملاً شاهد جنگ میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار و بین محرومین و اغنیا هستیم. در چنین شرایطی اول ماه مه روز جهانی کارگر، فرصتی است تا کارگران پیشرو به سازماندهی تظاهرات اول ماه مه همت گماشته و با طرح شعارها محوری کار-مسکن-آزادی و سایر مطالبات محوری، از جمله آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی، افزایش سطح دستمزدها و دیگر مطالبات اقتصادی و سیاسی، کارگران را به اتحاد و یکپارچگی در مقابل دولت و سرمایه داران فراخوانند

نابود باد رژیم سرمایه داری ارتجاعی

اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی

برفراز باد پرچم متحد تشکل سراسری

کارگران ایران

محسن رجب زاده

۱۳۹۵/۳/۸

Kar@fedayi.org



تراکت ۳ بمناسبت اول ماه مه ۱۳۹۵

اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار میشود که بحران جهانی سرمایه داری گنبدیگی این نظام استثمارگر و جنگ افروز و مملو از تبعیض و نابرابری را به عیان در مقابل دیدگان بشریت به نمایش گذاشته است. تبعات ویران کننده این بحران مثل همیشه و بیش از پیش شامل حال طبقه کارگر و تهی دستان جوامع مختلف میشود و امواج آن بر در هر خانه ای و ویرانه ای که میکوبد، نا آگاه ترین فرد اجتماع را بیدار کرده و هشدار میدهد که عامل ادبار تو و این دنیای مملو از ستم و استثمار و زور و سرکوب و جنگ و ویرانی و بیکاری و بی خانمانی، همانا نظام طبقاتی است. و آنگاه که این آگاهی اولیه به آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی ارتقا یابد. زجه ها و ناله ها و امید و آریه‌های واهی به خداوندان آسمان و زمین، به فریاد «یامرگ یا سوسیالیسم» تبدیل خواهند شد. تلاش برای ارتقاء سطح آگاهی و کمک به تشکل یابی کارگران و وحدت صفوف آنها از وظایف مهم و تعطیل ناپذیر کارگران پیشرو و کمونیست است.

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

سوم اردیبهشت ۱۳۹۵

با کمک های مالی خود

، سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست را در پیشبرد

برنامه و اهداف انقلابی اش

یاری رسانید .

در جمهوری فدراتیو شورایی که بر ویرانه های جامعه سرمایه داری بنا می شود کلیه موسسات مذهبی ، دولتی ، شرکتها . صنایع و کارخانجات ، کارتل ها و تراست ها و کلیه وسایل تولید و مبادله در دست اشخاص حقیقی و حقوقی را به صاحبان واقعی آنها یعنی تولید کنندگان آزاد متحد و متشکل موسسات باز می گردد و سلطه سرمایه داران و دلالان و محترکین بر می افتد . * در جمهوری فدراتیو شورایی گذران از طریق بهره ، ربا و نظایر اینها ممنوع و جرم محسوب می گردد و هر شخص قادر به کار که کار نکند نمیخورد .

ستون طنز



زیر نظر طنناز ممدقلی زاده

عجب حکایتی است داستان این

مجاهدین روز شنبه

اخیرا مصطفی حجری باشرکت در مراسم نوروز در مناطق سرسبز قندیل اطراق کرد و بعد از اینکه دوستان جمع شدند و سان رژه تمام شد و کلی هالپلکی رفت، یکبارہ انگاری هوا به سراسر زده باشد شروع کرد به افشای «تغییر رویکرد تاکتیکی «حزب. حالا بعد از سی سال از گار اردوگاه نشینی و دید و بازدید از مقرات و دفاتر همدیگر و گاه سفری به ینگه دنیا و ملاقات با ازماپهتران و کارمندان دون پایه این اداره و آن اداره که هیچ آبی هم از آنها برای ایده های کاک مصطفی در کردستان گرم نشد، اما در این نوروز دل افروز وقتی از بلندی کوه های مرزی کله شین چشمش به فضای وطن افتاد، فیل اش یک باره یاد هندوستان کرد، بدون اینکه پس و پیش قضیه را ورنه انداز بکند و اوضاع را بسنجد در برابر میکرفن خبرنگار یکی از رسانه ها اختیار از دست داد و از «تغییر رویکرد تاکتیکی»!! جدید حزب اش گفت و اعلام کرد که در سال پیش رو. "پیام ما در عید نوروز، این است که صدا و توان خود را در کوهستانها و شهرهای کردستان برای ایجاد یک نیروی قدرتمند و سرنوشت ساز یکپارچه نماییم که زندگانی نوینی را به دور

از زیردستی و محرومیت از حقوق برایمان رقم بزند.»!! باز صد رحمت به کرامات نوروز که این کاک مصطفای مارا به شوق وصال یار انداخت. اگر آقای حجری در همین جا توقف میکرد ایرادی نداشت اما تا فهمید که رسانه مصاحبه کننده بطور زنده برنامه مراسم نوروزی را پخش میکند در جواب به پرسش خبرنگار ز رنگ اقلیم که معنی این آغاز نوین و رویکرد تاکتیکی شما چیست؟! نه برداشت و نه گذاشت و اعلام کرد _____ که «آغاز دور نوینی از مبارزه چیزی غیر از جنگ مسلحانه در کوهستانها و شهر و روستاهای روژ هلات نیست.»!! البته بعد از این ادعاها جناب حجری مورد تمسخر عده ای از هموندان از جمله کاک خالد عزیزی، رهبر حزب دمکرات کردستان قرار گرفت.

کاک خالد که انگار ترقه ای زیر اش آتش زده باشند چرت اش پرید و دید که مصطفی بند را آب داده، دهن اش رانزدیک گوش کاک مصطفی کرد و طوری که کسی متوجه نشود و در گوش وی گفت: ای بابا چه خبرته کاک! نکنه تو هم مثل احمدی ترمزات بریده؟! آخه کاک مصطفی ما که غریبه نیستیم در این سی سال اردوگاه نشینی که بخشی از آن به انشاقات مشغول بودیم بخشی هم به حالپلکی رفتن و مهمانی دادن به همدیگر به سبک رجال مشرق زمین و مصاحبه درباره جنگ سنندج گذشت. هی الحمدورالله کممکی هم از خان یغمای گسترده در اقلیم به ماریسید باز هم میرسد و حالا هم ناسلامتی میخواهیم یکی بشیم. کدوم جنگ

مسلحانه را میخوای در شهرها و روستاهای رژه هلات راه بیاندازی؟! کاکا قمپز در کردن هم اندازه داره، این چه در سربیه که داری برای مادرست میکنی؟

کاک مصطفی: خالدی پاک خرفت شدی ها، مگر یادت رفته که در سنت ما شب عید نیت میکنند و روز سیزده بدر سیزه گره میزنند، اگر شناس یاری داد که داد نیت بر آورده میشود اگر هم بخت یارش نبود آنوقت دیگر جای شکایتی نیست خواست خدا همین بوده تمام. ما هم همین کار کردیم! و حال اینکه هنوز نه سیزده رسیده و نه من سیزه ای گره زده ام حالا یک حرفی گفتم تو چرا جدی میگیری مگر همو نمیشناسیم کاک! خالد: آخه قربان این حرفها مالیات داره اگر ما میتونستیم تقه بکنیم در این سی سال بلاخره موقعیت هائی بود که یک تقه ای بکنیم، در وطن تقه که نکردیم هیچ برای همین روژوا بغل گوشمان هم که از همه گوشه کنار دنیا آمدند و تقه کردند، ما نداشتیم که چهار نفر بفرستیم و بگیم این هم ما حاضریم به خاطر مردم کرد با داعش که هیچ با پدر داعش هم بجنگیم؟!

کاک مصطفی جواب داد: آقا مردم فراموش کارند تا به حال چندین بار گفتیم وعده دادیم و یک بار هم شال کلاه کردیم رفتیم بغل مقرهای پ ک ک، چادر زدیم، گفتیم آمدیم مبارزه مسلحانه کنیم! اگر یادت باشد با پ ک ک ضد انقلاب هم درگیر شدیم پدر سوخته های پررو میگفتند اگر برای جنگ آمدید این کوه این مرز این شما بفرمائید. انگار ما میتوانستیم فقط راه بلد میخواستیم! دیدی چه قشقرقی راه افتاد. اما برگشتیم و آمدیم تو شهر و اردوگاه و دوباره نشستیم، نشان به این نشان که آب از آب

برای اتحاد و همبستگی صفوف طبقه کارگران تلاش کنیم!

تشکل های وابسته به دولت در محیط کار، برچیدن شرکت های پیمان کاری و تبدیل همه قراردادهای پیمانی، سفید امضاء و موقت به قراردادهای جمعی و رسمی، استخدام کارگران با پوشش کامل بیمه های اجتماعی، تأمین ایمنی محیط کار و پرداخت خسارت به کارگرانی که در اثر سوانح و ضایعات ناشی از کار دچار بیماری و نقص عضو می شوند، برابری حقوق زنان با مردان برای کار یکسان در همه بخش های اقتصاد بدون استثناء، منع قانونی و قابل تعقیب بودن تحمیل هر نوع سنت رسمی و عرفی مرد و پدرسالارانه بر زنان در محیط کار و زندگی، منع جدا سازی جنسیتی در محل کار، تبعیض و یا اخراج به خاطر مواردی نظیر رعایت پوشش، الغاء طرح ارتجاعی دورکاری برای خارج کردن زنان از چرخه استخدام رسمی و بهره کشی بیرحمانه آن ها به عنوان نیروی کار غیررسمی، الغاء هر نوع تبعیض جنسیتی، ملی، قومی، مذهبی، فرهنگی و یا تعلق به گروه های جمعیتی مهاجر در امر استخدام، بر مبنای اصل حقوق برابر برای کار یکسان برای همه، منع کار کودکان، آزادی حق اعتصاب و تشکل، آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی، لغو مجازات اعدام، جدائی دین از دولت و آزادی های بی قید و شرط سیاسی.... مطالباتی است که هر سال به مناسب های گوناگون و از جمله اول ماه مه توسط تشکل های گوناگون جنبش کارگری و همچنین تشکل های حامی جنبش کارگری مطرح می شود. اما چند دهه مبارزه طبقه کارگر در تحت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نشان داده است که عملی شدن این مطالبات در گرو ایجاد تشکل مستقل سراسری طبقاتی کارگران ایران است. تنها از طریق برپائی تشکل های سراسری مستقل و طبقاتی کارگری است که ظرفیت جنبش کارگری برای هماهنگ و توانمند ساختن پیکارهای کارگری می تواند به اعتلای هر چه بیشتر جنبش کارگری یاری رساند.

حمایت و همگامی موثر با

سایر جنبش ها نظیر جنبش جوانان، دانشجویان، زنان، ملیت های تحت ستم و استثمار، محیط زیست و... زمانی می تواند به شکل موثر پیش برده شود که طبقه کارگر ایران به شکل مصمم و قاطع به سوی ایجاد تشکل های مستقل سراسری گام بردارد. همکاری و هماهنگی همه فعالان و تشکل های مسئول و متعهد به طبقه کارگر در این عرصه با همه تنوع ها و سایه روشن های نظری از شرایط کلیدی برای موفقیت جنبش طبقه کارگر ایران در موقعیت کنونی برای عملی ساختن این وظیفه حیاتی می باشد.

در اول ماه مه یاد فعالین فداکار و از جان گذشته طبقه کارگر و به ویژه فعالین زندانی و جانفشانان پرافتخار جنبش کارگری را که جان بر سر اتحاد و تشکل طبقه کارگر ایران نهادند را گرامی می داریم. یاد همواره ماندگار شاهرخ زمانی کارگر کمونیست و از فعالین سرشناس جنبش کارگری، افشین اسانلو و ستار بهشتی هرگز فراموش نخواهد شد. آن ها شهاب هائی بودند که شب تاریک دیکتاتوری را شکافته و راه پر نور رهائی اردوی کار و زحمت را نشان دادند. در روز اول ماه مه همه فعالین در بند جنبش کارگری که با استقامت بر سر آرمان سرخ رهائی طبقه کارگر نماد های مقاومت و پایداری ما هستند درود می فرستیم و با همه توش و توان خود برای رهائی آن ها و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی تلاش می کنیم. طبقه کارگر برای غلبه بر پراکندگی خود و تبدیل به قطب موثر در صحنه پیکارهای طبقاتی، نیاز مبرم به اتحاد صفوف خود دارد. نشست سازمان ها، احزاب و نهادهای چپ و کمونیست "تلاش می کند بر اساس همکاری بر مبنای اشتراکات، و مبارزه نظری و مباحثات رفیقانه بر سر اختلافات برای دست یابی به وحدت های بیشتر، در مسیر عملی ساختن وحدت نیروهای کمونیست و چپ گام برداشته و به یاور موثر طبقه کارگر ایران در پیکارهای جاری و آینده مبدل شود. اول ماه مه

فرصتی است که بار دیگر بر ضرورت اجتناب ناپذیر اتحاد جنبش کارگری و سوسیالیستی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری آلترناتیو سوسیالیستی تاکید کنیم. اول ماه مه را به هر شکل ممکن و موثر گرامی بداریم! زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران جهان! سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی! زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

<http://shoora-namayandegan.org/>

جمعه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵ برابر با ۲۹ آوریل ۲۰۱۶

شورای نمایندگان احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست امضاءها به ترتیب حروف الفبا:

- ۱- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۲- حزب کمونیست ایران
- ۳- سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
- ۴- سازمان راه کارگر
- ۵- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
- ۶- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران- استکھم
- ۷- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ
- ۸- کانون اندیشه کپنهاگ - دانمارک
- ۹- کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
- ۱۰- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک
- ۱۱- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران- فنلاند
- ۱۲- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)
- ۱۳- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال، کانادا
- ۱۴- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران- غرب آلمان
- ۱۵- هسته اقلیت

عجب حکایتی است داستان این مجاهدین روز شنبه

تکان نخورد کسی هم نپرسید که آقا این جنگ مسلحانه شما چی شد؟ حالا شما میگی که مردم یادشان میماند که ما شب عیدی چی گفتیم؟ بابا ما مجاهدین شنبه ها هستیم حالا فرق نمیکند مردم بلند بشوند حکومت را باندازند و یا قدرت های بزرگ این کار را بکنند. برای ما فرقی نمیکند کار که تمام شد سرمیدان حاضر میشویم و آنقدر درود بر پیشوا میگویم و سرود ای رقیب و میخونیم که مردم خوش باور قبول بکنند که بلی، این ما بودیم که طی این سی سال مبارزه مسلحانه کردیم، خون دل خوردیم، شهید دادیم پس سهم ما هم از دیگران بیشتر است!!

کاک خالد: کاک مصطفی اینها درست! اما گر فاش شود عیوب پنهانی ما ایوای به خجالت و پشیمانی ما

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر
نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد
فداییان کمونیست منتشر می
شود .**

**شماره پیامگیر . واتس آپ و
وایبر سازمان
+46738924823**

**آخرین اخبار و گزارشات . مقالات
. اطلاعیه ها و نشریات سازمان
اتحاد فداییان کمونیست از
سایت زیر دریافت کنید :**
Www.fedayi.org

**برای تماس با سازمان اتحاد
فداییان کمونیست و یا ارگانهای
ان با یکی از آدرسهای زیر تماس
بگیرید :**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

.....

شعری از رفیق سعید سلطانیور

آخرین سرود

دو شعر نوشتم
بی آنکه آرامشی در من ببارد
در "عشق"
از بادبانهای دستهایت
که دو تسلیمند
و در "یگانگی"
از روستازاده ای
که ندارم سخن گفته ام

مرا شعری دیگر باید
شعری که ندانم چیست
شعری که آرامش را
مثل رطوبت خاک های کهنه
در من بیدار کند

من هرگز شعری نساخته ام
من خود، لحظه هایی شعر بوده ام
من خود را سروده ام
در من، درختها کلمه بودند
چشمه ها کلمه بودند
ستاره ها کلمه بودند

شعر من
تصادم ستاره و درخت بود
فوران درشت چشمه بود
چیزی بود که بیهوده می کوشم تفسیرش کنم

<آهویی با ساقهای خیس
بیکرانی از علفهای پر شبنم
وزش های خنک

چرايي
سلانه
سلانه
پرش شبنم ها در گذرگاه آهو
. اینهمه

سرشارم نمی کند
می خواهم گریه کنم

